



مروری بر کارنامه قرآنی

دکتر طاهره صفارزاده

اعظم السادات طلائی زواره

زنده یاد خانم دکتر طاهره صفارزاده از خادمین قرآن کریم که عمری را در راه تعلیم و تعلم سپری نمود؛ در سال ۱۳۱۵ در خانواده ای متوسط با پیشینه عرفانی در سیرجان چشم به جهان گشود. این بانوی پارسا اولین روزهای علم آموزی خود را در مکتب محل با تجوید و روخوانی قرآن شروع کرد و بعد از سپری نمودن دوران دبیرستان این محقق برجسته موفق به اخذ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران شد. مدتی به عنوان مترجم متون فنی در شرکت نفت کار کرد و به دنبال سخنرانی در اردوی تابستانی برای فرزندان کارگران مجبور به ترک کار شد و برای ادامه تحصیل به انگلستان و سپس به آمریکا رفت و در دانشگاه آیوا در گروه نویسندگان بین المللی پذیرفته شد و درجه MFA دریافت نمود. (این درجه به هنرمندان و نویسندگانی که قصد تدریس در دانشگاه را داشتند اعطا می شد که عمده کار آنان نقد تئوری و عملی و انجام پروژه های ادبی بود).

دکتر صفارزاده پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۴۹ علی رغم مشکلاتی که برای استخدامش به علت فعالیت های سیاسی در آمریکا پیش آمده بود به علت نبود استاد ترجمه، به استخدام دانشگاه ملی درآمد و به تدریس نقد علمی ترجمه پرداخت. وی پایه گذاری آموزش ترجمه به عنوان یک علم و برگزار کننده نخستین نقد علمی ترجمه در

دانشگاهها بود، در واقع کتاب اصول و مبانی ترجمه اثر این زن فرهیخته به عنوان کتاب درسی سرآغاز نظام تدریس نقد ترجمه در رشته زبان و ادبیات خارجی در دانشگاههای کشور شد. این معلم دانشگاه در سال ۱۳۵۵ به اتهام نوشتن شعر مقاومت دینی از دانشگاه اخراج و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی همکارانش به عنوان رئیس دانشگاه شهید بهشتی و رئیس دانشکده ادبیات این دانشگاه انتخاب گردید.

از دیگر فعالیت های علمی این بانوی سخت کوش و فهیم، همکاری با ستاد انقلاب فرهنگی جهت برنامه ریزی زبانهای خارجی دانشگاهی و تغییر در برنامه آموزشی آنهاست. آشنایی ۴۰ ساله با زبان انگلیسی، از تحصیل دانشگاهی تا تدریس دانشگاهی در این رشته، ۱۹ سال تدریس نقد علمی ترجمه در دانشگاهها و ۱۲ سال ویراستاری کتابهای علمی به زبان انگلیسی از دیگر برگهای زرین کارنامه علمی ایشان است.

این نویسنده بزرگ در به ثمر رساندن کتابهای زبان تخصصی برای رشته های مختلف دانشگاهی از طرح تا ویراستاری تلاشهای فراوانی داشته، در این راستا پیشنهاد می نماید درسی با عنوان بررسی ترجمه های متون اسلامی در برنامه درسی رشته های مختلف زبانهای خارجی گنجانده شود و در نتیجه خود بیشتر در مسیر تطبیق متون اسلامی با ترجمه های انگلیسی و بویژه ترجمه قرآن کریم قرار می گیرد و طی چند سال تلاش تمام وقت و مداوم، کار بزرگ ترجمه قرآن حکیم را به دو زبان فارسی و انگلیسی متفاوت از ترجمه های موجود به اتمام می رساند. هم چنین مبادرت به ترجمه نهج البلاغه امیر مؤمنان علی (ع) می نماید که با پرواز به سوی معبود خویش کار ناتمام ماند.

دکتر صفارزاده از شعرای توانمند و پرکار به شمار می رفت. اولین شعر خود را در ۱۳ سالگی سرود و نخستین جایزه شعر را در سال چهارم دبیرستان به پیشنهاد استاد باستانی پاریزی که دبیر دبیرستان بهمنیار بود از رئیس آموزش و پرورش استان گرفت. به گفته حمید سبزواری شادروان صفارزاده به قوی ترین شیوه ممکن وارد مبارزات سیاسی و ادبی شد و در شکل گیری ادبیات انقلاب نقش عمده و محوری داشت او بر تن شعر لباس نوبی پوشانده بود. در شعرهای این شاعر و ادیب گرانمایه زبانی ساده بدون آرایه های لفظی، احساس و عاطفه، ارزش ها و مظاهر مذهبی و دینی و اخلاقی، جسارت و شجاعت مشهود است بیش از ۱۴ مجموعه شعر از او به یادگار مانده از جمله: رهگذر

مهتاب، طنین در دلتا، سفر پنجم، حرکت و دیروز، بیعت با بیداری، هفت سفر، جلوه‌های جهانی، روشنگران راه، مردان منحنی، دیدار صبح، در پیشواز صلح و... این زن اندیشمند در سال ۶۷ در فستیوال بین‌المللی شعر داکا به عنوان یکی از ۵ عضو بنیانگذار کمیته ترجمه آسیا برگزیده شد. در سال ۷۱ از سوی وزارت علوم و آموزش عالی استاد نمونه شد، در سال ۸۰ پس از انتشار ترجمه قرآن کریم به عنوان افتخار «خادم القرآن» نائل شد، و سرانجام در سال ۲۰۰۶ میلادی به عنوان برترین مبارز و زن نخبه و دانشمند مسلمان از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر برگزیده شد.

کارنامه قرآنی صفار زاده

قبل از ورود به بحث در خصوص ابعاد ترجمه قرآن حکیم این استاد فرزانه، پای سخن خود استاد در مؤخره ترجمه قرآن حکیم می‌نشینیم:

من هر چه عربی خواندم و استاد عوض کردم باز پایه عربی خود را مرهون اولین استاد می‌دانم. در ۶ سالگی در مکتب محل قرآن را تمام کردم. یعنی بدون معنی، چنانکه متداول است تجوید را آموختم. جزء ۳۰ را از برداشتم. از ملای خودم که برای تشویق بعد از حفظ هر سوره هفت دانه انجیر خشک به من می‌داد و باعث شد به انجیر علاقه مند شوم در اشعارم یاد کرده‌ام اما شیرین تر از هر شیرینی رفتار عالی و غیر متداول استادم آقای آموزگار بود که از عرفا و دانشمندان معاصر در شهر کرمان بودند. ایشان قبل از شروع به درس می‌فرمود: صفارزاده بیاید بنشیند جلو و من بلافاصله با شوق و دلهره و ادب، پشت یکی از نیمکت‌های جلو قرار می‌گرفتم و استاد با صلابت شروع به درس گفتن می‌کردند من به ذائقه قرآن خوانی کودکی شدیداً مستعد فراگیری زبان عربی بودم و ذوق سرشار داشتم... ایشان بواقع پایه و درک عربی ما را از اکثر کلاسهای موجود امروز بهتر تقویت کردند. بعدها پس از هدایت شدن الهی به قرآن مجید توجه من در آموختن عربی صرفاً معطوف به مفاهیم قرآنی شد و هرگاه به ابهاماتی در تفاسیر بر می‌خوردم باز هم به استادان عربی که قرآن شناس بودند مراجعه می‌کردم. بعد از شروع کار ترجمه در سالهای اخیر از رجوع به فرهنگهای عربی - انگلیسی بسیار

سود بردم .

پیرو یک بی عدالتی ناچار در خانه نشستم و به طور تمام وقت، روحی، قلبی و ذهنی به کار ترجمه و تالیف پرداختم (از یکی از مطلعین شنیدم که استاد در این سالهای آخر روزانه ۱۶ ساعت مشغول به کار ترجمه قرآن بود و چنان پیگیر و مجذوب این امر بود که بعضی مواقع سه روز پشت سرهم یک نوع غذا می خورد تا وقت کمتری را به تهیه غذا اختصاص دهد) شکر و ثنای این بنده الهی از آن خداوند است که در مسیر توفیق عظیم این خدمت، از برکات هدایت و الهامات الهی بهره مندم. فرمود و نشانه قول ذات اقدسش که می فرماید: *یهدی الله لنوره* من یشاء از پیدایش علل و اسباب پرداختن به این مهم تا انجام آن کاملاً مشهود است و من هر جا که در یافتن معنی و معادل صحیح در ماندم دستگیری شدم و مدام عرض کردم *شکراً لله*.

هم اکنون به طور اجمال به ابعاد و ویژگی های ترجمه ارزشمند قرآن کریم اثر این دانشمند که آن را از بقیه متمایز ساخته اشاره می نمایم:

۱. اسمای الهی در ارتباط با مفهوم آیات ترجمه شده است، یعنی ترجمه این اسماء براساس و اقتضای معنایی متن آیات می باشد، مثلاً در آیه ۱۱ سوره نساء «علیم حکیم» با توجه به محتوای آیه که تقسیم ارث بین فرزندان است خداوند حکم کننده دانا ترجمه شده، نه خداوند دانا و فرزانه. در حقیقت به ترجمه تحت اللفظی اکتفا نشده بلکه معادل گزینی و مفهوم یابی شده و این معادل گزینی خواننده را در بهره گیری از خواص اسماء الحسنی خداوند و توسل به این اسمای الهی کمک می نماید.

۲. علامت گذاری در پایان آیات مرتبط یا غیر مرتبط، مثلاً در پایان ترجمه آیاتی که با یکدیگر مرتبطند از نقطه ویرگول (؛) استفاده شده نه نقطه تنها و هر جا که خداوند موضوع و خطاب خود را تغییر داده این تغییر و دگرگونی با علامت ستاره (x x x) مشخص گردیده است.

۳. وجود پانویس هایی که از تفاسیر گرفته شده یا برداشتهای مترجم که در پرانتز () یا قلاب [] قرار گرفته - مقدم بر پانویس - در درک بیشتر مفاهیم قرآنی راهگشای خوبی برای خواننده محسوب می شود.

۴. رعایت ادب الهی از موارد قابل توجه در ترجمه می باشد. برای خداوند کلمه «فرمود» به جای «گفت» و «اراده فرمود» به جای «چنین و چنان کرد» و برای بندگان در خطاب به پروردگار «عرض کرد» به جای «گفت» بکار برده شده است.

۵. در آیاتی که گوینده دارد ولی قل یا قالوا نیامده، برای کمک به درک بهتر و بیشتر معنا کلماتی مانند بگو، گفتند و نظیر این افعال آورده شده است.

۶. ابزار کار ترجمه بنا به گفته خود مترجم عبارت بوده از ۳۰ سال مطالعه مشتاقانه و پژوهشگرانه توأم با یادداشت برداری از تفاسیر کشف الاسرار، ابوالفتوح رازی، مجمع البیان، مواهب علیه، منهج الصادقین، طبری، سوراآبادی، نسفی، کمبریج، المیزان، نمونه و آثار مفسران و مترجمان معاصر به فارسی و انگلیسی و هم چنین فرهنگ های عربی و انگلیسی و آشنایی ایشان با زبانهای لاتین، فرانسه و اسپانیایی به منظور ریشه یابی لغت. ۷. صفحه آرابی این ترجمه شایان توجه است، ابتدا یک آیه چه کوچک و چه بزرگ نوشته شده بعد در پایین ترجمه آن آمده است و به همین ترتیب آیات دیگر، این انفصال آیات و ترجمه آنها رغبت خواننده را بر می انگیزد، اگرچه منجر به افزایش صفحات و حجم آن گردیده است.

این بانوی با ایمان بعد از عمری تلاش در راه تعلیم و تعلم فرهنگ و ادب، در ۲۵ شوال ۱۴۲۹ سالروز شهادت امام صادق(ع) مصادف با ۴ آبان ۱۳۸۷ جهان فانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت. روحش شاد، یادش جاوید و راهش پر رهرو باد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی